

Prison meeting room and the process of technological control of prisoners (1979-1953)

Yaghoub Khazaei*

Abstract

With the writing of criminal law since the constitutional period, changes have taken place in the situation of prisoners. One of these changes concerns the right of Meeting prisoners. Traditionally, prisoners were given Meeting not as accepted and customary but as something that occasionally through bribery and friendships. But since the time of constitutionalism, the rights of individuals have been gradually recognized in society as well as in prisons. Meeting is one of the most important rights of prisoners that entered the criminal law of Iran with the compilation of the first prison regulations during the constitutional period by the Swedes. The problem of this article is that explains the relationship between new technologies in the meeting room and totalitarian control of prisoners in the period after the coup d'état until the Islamic Revolution. The research results confirm that the development of new procedures in the meeting room is another symbol of a power-oriented will and the control of all prisoners's actions in the meeting room was monitored using new technologies such as recording the meeting room telephone conversation and creating a thick glass wall between the visitor and prisoner. Indeed unlike the free and face-to-face meeting of the premodern period, the meeting in the new period with technological controls is unsatisfactory.

Keywords: prison, meeting, meeting room, prison regulations, Pahlavi.

* Faculty member of Imam Khomeini International University, khazaei@HUM.ikiu.ac.ir

Date received: 2021/06/08, Date of acceptance: 2021/09/17



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

اتاق ملاقات زندان و فراگرد کنترل تکنولوژیکی زندانیان (۱۳۵۷ - ۵۱۳۳۲.ش)

یعقوب خزائی*

چکیده

با تدوین حقوق کیفری از دوران مشروطیت در وضع و احوالات زندانیان تغییراتی حادث شد. یک از این تغییرات به اعطای حق ملاقات به زندانیان برمی گردد. از قدیم الایام اعطای ملاقات به زندانیان نه به عنوان امری پذیرفته شده و عرف بلکه به مثابه امری که گاه و بی‌گاه ولو از طریق رشوه و روابط دوستانه صورت عمل به خود می گرفته است. ولی از دوران مشروطیت اندک اندک حقوق افراد در جامعه و نیز زندان به رسمیت شناخته شد. ملاقات یکی از حقوق مهم زندانیان است که با تدوین نخستین آئین نامه زندان در دوران مشروطیت توسط سوندی‌ها وارد حقوق کیفری ایران شد. حال مساله پیش روی نوشتار حاضر این است که نسبت میان تکنولوژی‌های نوین در اتاق ملاقات و کنترل توتالیتزر زندانیان در دوران بعد از کودتای ۲۸ مرداد تا سال ۱۳۵۷ را مورد بررسی قرار دهد. نتایج پژوهش موید آن است که تکوین رویه‌های نوین در اتاق ملاقات نماد دیگری از اراده معطوف به قدرت است بطوریکه کنترل تمام رفتارهای زندانیان در اتاق ملاقات با استفاده از تکنولوژی‌های نوین همچون ضبط گفتگوی تلفنی اتاق ملاقات و ایجاد دیوار شیشه‌ای ضخیم بین ملاقات کننده و ملاقات شونده زیر نظارت کامل قرار گرفت و برخلاف ملاقات آزادانه و حضوری دوره پیشامدرن، ملاقات در دوره جدید با کنترل های تکنولوژیک عاری از رضایت بخشی است.

* عضو هیات علمی گروه تاریخ، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، khazaei@HUM.ikiu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۶



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

کلیدواژه‌ها: زندان، ملاقات، اتاق ملاقات، آئین نامه‌های زندان، پهلوی.

۱. مقدمه

زیست در زندان فرد را از ارتباط با محیط خارج از زندان محروم می‌سازد و اگر این حرمان و محرومیت به مدت طولانی استمرار پیدا کند، آنگاه آسیب‌های جدی روانی متوجه فرد می‌شود. بنابراین محکومان به طور طبیعی در زندان در تلاش هستند تا هم با زندانیان سلول‌های دیگر ارتباط برقرار کنند و هم با خانواده‌های خود. زندانیان برای برقراری ارتباط با زندانیان سلول‌های دیگر از روش‌هایی همچون مورش استفاده می‌کردند (میثمی، ۱۳۹۸/۳: ۲۱۶؛ زمان بازیافته خاطرات سیاسی بهمن بازرگانی، ۱۳۹۷: ۱۴۲ و ۱۴۱؛ سماکار، ۱۳۸۵: ۲۱۱ - ۲۰۹). از سوی دیگر آنها برای برقراری ارتباط با خانواده هم از دو روش استفاده می‌کردند. مکاتبه و نامه‌نگاری یکی از طرق ارتباط زندانی با خانواده و بستگانش بود که این روش دارای خصائصی در قیاس با دیگر روشهاست. استفاده از روش نامه‌نگاری برای خانواده‌های زندانیان هم کم‌هزینه‌تر و هم به نسبت سهل‌تر بود. در مکاتبه دیگر نیازی نبود تا خانواده‌های زندانیان از راه‌های دور و نزدیک به زندان محل حبس خویشاوند خود بروند. از این رو منطقی است که تصور نمائیم خانواده‌هایی که به هر دلیل امکان عزیمت به زندان را نداشتند، از طریق مکاتبه و نامه‌نگاری با فرد در بند خود ارتباط برقرار می‌کردند.

روش دوم ارتباط زندانیان با خانواده، ملاقات است که در سنجش با مکاتبه واجد خصائص خاص خود است. تا قبل از انقلاب مشروطه ملاقات زندانیان نه به عنوان یک حق قانونی بلکه به مثابه امری که گاه به گاه با دادن رشوه و روابط شخصی امکان پذیر بود، صورت می‌گرفت. ولی با تاسیس نظام مشروطه حقوق مردم مورد توجه قرار گرفت. در حقوق کیفری نوینی که بعد از مشروطه تدوین گردید، حقوق زندانیان نیز لحاظ گردید. ملاقات نیز یکی از حقوق زندانیان بود و زندانیان حق داشتند در روزهای خاصی با خانواده و بستگان خود ملاقات کنند. در اینجا دست کم از بعد نظری تمام زندانیان قطع نظر از شان و جایگاه اجتماعی شان حق ملاقات داشتند. در مقاله حاضر دو سوالی اصلی مطرح است. نخست تمایز میان امر «دوژور» (de jure) یا «امر قانونی» و «دوفاکتو» (de facto) یا امر واقعی در ملاقات زندانیان است؟ مقصود از امر دوژور یعنی امری که قانون آن را

مشروع دانسته و در جامعه به عنوان یک امر حقوقی و بهنجار شناخته می شود. ولی «دوفاکتو» به امری اطلاق می شود که به عمل سیاسی و اجتماعی و در واقع امر بالفعل اشاره دارد. درحقیقت ممکن است قانون حقی را به رسمیت بشناسد ولی در عمل آن حق متحقق نشود و یا به گونه ای مغایر با قانون عملی شود. لذا یکی از پرسش های مقاله کنونی آن است که تعارضات میان امر دوزور و دوفاکتو را در ملاقات زندانیان نشان دهد و پرسش دوم و مهم تر اینکه تاثیرات تکنولوژی را در کنترل کنش های زندانیان در اتاق ملاقات ارزیابی کند؟ در مورد سوال نخست می توان گفت که شکاف میان امر قانونی و امر واقعی بسیار زیاد بود و بسیاری مواقع حقوقی زندانیان نادیده انگاشته می شد. فرضیه پرسش دوم هم متضمن این ایده است که کنترل شدید فضای اتاق ملاقات از طریق تکنولوژی مدرن ملاقات را از بن مسخ کرده بود. لازم است یادآوری شود که راقم این سطور در کتاب فرایند ساخت یابی نهاد زندان بخش کوتاهی را به اتاق ملاقات و وضع ملاقات ها در زندان های عصر مشروطه و پهلوی اول اختصاص داده بود و در آن جا به تغییرات در فضای کالبدی اتاق ملاقات از جمله ایجاد رشته های سیمی در اتاق ملاقات به عنوان یکی از موانع ملاقات اشاره کرده بود (خزائی، ۱۳۹۸: ۱۷۸ - ۱۷۱). محمدرضا گودرزی بروجردی و لیلا مقدادی هم در کتاب تاریخ تحولات زندان، قوانین مرتبط با زندان در دوران پهلوی را ارزیابی کرده اند ولی اساساً او به وضع واقعی زندان ها و ملاقات ها عنایت نداشته اند. بر این اساس مقاله حاضر وضع ملاقات زندانیان را در چند دهه بعد از کودتای ۲۸ مرداد مورد بررسی قرار می دهد.

۲. ملاقات در مقام حق و قانون

حق و حقوق یکی از مهمترین مفاهیم در اندیشه مدرن است. هابزاس جمله نخستین اندیشه ورزانی است که به حق افراد جامعه در تعیین حاکمان سیاسی اشارت کرده بود و او بود که مفهوم «قرارداد اجتماعی» را وارد اندیشه سیاسی کرد. به تدریج بحث حقوق اجتماعی و سیاسی با تکوین نهضت های اجتماعی و تلاش اندیشه ورزانی هم چون منتسکیو نضج گرفت و بعدها حقوق زندانیان نیز مطمح نظر قرار گرفت. اصطلاح «حقوق زندانیان» در سومین کنگره بین المللی حقوق جزاء و زندان ها پذیرفته شد. در کنگره مزبور حقوق زندانیان چنین تعریف شده بود: «مجموع قواعد و اصول قانونی که رابطه بین

دولت و محکوم را از زمان شروع اجرای مجازات و یا تاریخ بازداشت تعیین می‌کنند...». در واقع حقوق زندانی ناشی از محکومیت به اقامت در زندان است و این حقوق از امتیازات اعطایی اداره زندان محسوب نمی‌شود بلکه مسائلی همچون ملاقات‌جزء حقوق زندانی است (زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی دکتر تاج زمان دانش، ۱۳۸۸: ۵۶).

در دوران مشروطه ایرانیان به منظور تدوین آئین نامه زندان تجربه‌ای نداشتند و از این جهت لزوم استخدام مستشاران خارجی برای اصلاح نظمیه و زندان به تأیید دولت وقت رسید. وستداهلدر سال ۱۲۹۲ ه.ش در دومین دوره ریاست‌الوزرای مستوفی‌الممالک به ایران وارد شد. او پیشتر در استکهلم کفیل یکی از کلانتری‌های شهر بود و پس از ورود به تهران به مدت سه ماه از هرگونه دخالتی در امور نظمیه خودداری کرده و صرفاً به گردش و مطالعه پیرامون موقعیت و وضع شهر پرداخت و پس از مدتی نظمیه تحت نظر سوئدی‌ها قرار گرفت (مورخ الدوله سپهر، ۱۳۳۶: ۱۱۶ و ۱۱۵).

یکی از اقدامات مهم مستشاران سوئدی تدوین و تصویب آیین‌نامه‌های^۱ مختلف بود که از آئین نامه‌های اروپایی اقتباس شده بود. از آن جمله وستداهل آئین نامه زندانی تدوین کرد و در سال ۱۲۹۸ ه.ش به تصویب دولت رساند. در این نظامنامه برای نخستین بار حق ملاقات زندانیان درج شده بود.^۲ مطابق آئین نامه وستداهل ملاقات هفته‌ای یک روز در اتاق مخصوصی در حضور یک نگهبان صورت می‌گرفت. نکته دیگر در خصوص ملاقاتها این بود که می‌بایست افراد در ملاقاتها به زبانی تکلم کنند که نگهبان به آن زبان آشنا باشد (مختاری، ۱۳۲۹: ۳۶). علی دشتی که بعد از کودتای ۱۲۹۹ به زندان افتاد، از قانون ملاقات در زندان سخن گفته است. به نوشته او قانون مذکور بر روی دیوار نصب شده بود: «آقایانی که به ملاقات محبوسین پلیتیک می‌آیند حق ندارند غیر از صحبت‌های عادی نمایند، صحبت‌های سیاسی و ذکر اخبار خارج به کلی قدغن و در صورت مخالفت مرتکب تنبیه می‌شود» (دشتی، ۱۳۸۰: ۷۷). به قانون یاد شده که بر روی دیوار نصب شده بود، در اصطلاح «ارد» می‌گفتند (سیفی فمی تفرشی، ۱۳۶۷: ۱۰۸).

اگرچه در نظامنامه زندان دوره سوئدی‌ها قانون ملاقات به اختصار بیان شده بود اما در آیین‌نامه‌های زندان دوره پهلوی قوانین مرتبط با ملاقات به تفصیل ذکر شده بود. در نظام‌نامه ۱۳۰۷ ه.ش - دومین آئین نامه زندان در حقوق کیفری ایران - قوانین مربوط به ملاقات در پنج ماده گنجانده شده بود. مطابق ماده شانزدهم اجازه ملاقات با زندانیان باید از

طرف رئیس زندان صادر می‌شد و مشارالیه می‌توانست در صورت مقتضی از دادن اجازه ملاقات امتناع ورزد. زوج یا زوجه، والدین و فرزندان زندانی حق داشتند که حداقل ماهی یک مرتبه با زندانی ملاقات کنند. در ماده هفدهم آمده بود که اجازه نامه ملاقات با مظلونان یا متهمان باید از بازپرسی که مأمور تحقیقات است صادر شود ولی در مورد جرائم مشهود، مظلونین یا متهمین که بازپرس قرار مجرمیت آنها را صادر کرده است، اجازه نامه مزبور باید بر حسب مورد از طرف مدعی العموم بدایت یا استیناف صادر شود. در ماده هیجدهم ذکر شده بود که بازپرس یا مدعی العموم می‌تواند در صورتی که ملاقات با مظلونین یا متهمین را مخالف با حسن جریان تحقیقات یا محاکمه بداند از دادن اجازه ملاقات امتناع کند، ولی به مجرد شروع محاکمه وکیل مدافع شخص توقیف شده حق خواهد داشت که با او ملاقات نماید و هیچ یک از مأمورین اعم از اداری یا قضایی نمی‌توانند به هیچ وجه از این ملاقات جلوگیری کنند. در ماده نوزدهم انجام هر ملاقات منوط به حضور زندانبان شده بود. گفتگو در ملاقاتها می‌بایست با صدای بلند و بدون نجوی به عمل آید و اگر زندانبان تصور کند که موضوع صحبت ممکن است به نظم زندان یا به جریان تحقیقات خللی وارد آورد، می‌بایست فوراً به ملاقات خاتمه دهد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۰۸:۳).

در آئین نامه مصوب سال ۱۳۰۷ش به متهم و محکوم حق ملاقات اعطا شده بود (همانجا) اما در عمل ملاقاتها صرفاً در مورد محکومین قابل اجرا بود (اسنادی از زندان و زندانیان در عصر پهلوی، ۱۳۸۴: ۱۱۲). براساس آئین نامه ۱۳۴۷ زوجه، ابوین، قیم یا سرپرست قانونی و اولاد حق ملاقات با زندانیان را داشتند. ملاقات وکلای دادگستری با موکلان خود، در مرحله بازپرسی، منوط به اجازه کتبی بازپرس مربوطه و پس از صدور قرار مجرمیت با اجازه کتبی دادستان بود و در صورتی که زندانی فاقد بستگان یاد شده بود، با نظر رئیس زندان با یکی از دوستان صالح زندانی یا یکی از اعضای انجمن خیریه که ملاقات او در بهبود وضع روحی زندانی مؤثر باشد، اجازه ملاقات داده می‌شد. اجازه ملاقات با مظلونان و متهمان ممنوع الملاقات منوط به ارائه اجازه کتبی از طرف بازپرس یا دادستان مربوط بود. ملاقات با متهمان سیاسی نیز در محل خصوصی با موافقت کتبی بازپرس یا دادستان مربوطه به عمل می‌آمد. مطابق این آئین نامه برنامه ملاقات عمومی در هر زندان حداکثر سه روز در هفته بود و ساعات آن می‌بایست با تناسب فصول و

نیازمندی‌های هر محل تعیین شود و مدت ملاقات بیست دقیقه بود (گودرزی بروجردی و مقدادی، ۱۳۸۳:۲۰۴).

در آئین‌نامه سال ۱۳۵۴ برنامه ملاقات عمومی دو هفته یکبار و مدت آن بیست دقیقه تعیین گردید. در ماده ۲۰۴ آئین‌نامه سال ۱۳۵۴ تصریح شده بود، که محل ملاقات عمومی زندانیان در زندانها باید مجهز به دیوار نشکن، وسایل تلفن و لوازم ضدصوت باشد. علاوه بر این ملاقات با متهمین سیاسی در محل مخصوصی با موافقت کتبی اداره اطلاعات شهربانی و یا بازرسی یا دادستان مربوطه به عمل می‌آمد (همانجا).

مسأله دور بودن محل زندانی از محل سکونت خانواده زندانی باعث اشکالاتی در انجام ملاقات‌ها نظیر مشکلات رفت و آمد، هزینه و... می‌شد و از این جهت در آئین‌نامه سال ۱۳۵۴ش مقرر شده بود که در صورت تقاضای زندانی یا خانواده او و یا اظهار نظر رئیس اداره زندانها و موافقت شورای طبقه‌بندی، انتقال زندانی به محلی در نزدیکی خانه او انجام پذیرد.

ملاقات به عنوان یک حق آنقدر واجد اهمیت بود که در قوانین جدید از آن به مثابه یک مجازات همبهره برداری می‌شد. یکی از مجازات‌های قانونی در دوره ی جدید محرومیت از ملاقات تا دو ماه بود (هومن، ۱۳۳۹: ۲۴۵).

۳. تعارضات میان امر دوزور و دوافکتو

حق ملاقات زندانی چنانکه پیشتر گفته شد با پدیداری مشروطیت در ایران به زندانیان اعطا گردید و اگرچه محتمل است که پیش از آن هم برخی زندانیان ملاقات‌هایی با کسان خود می‌داشتند چنانکه فی‌المثل پدر جودت که بیش از یک سال در انبار^۳ تهران زندانی بود، به توصیه ناظم السلطنه که با پدر جودت روابط دوستانه داشت، می‌توانست در انبار با خانواده خود ملاقات داشته باشد (جودت، ۲۵۳۶: ۶). اما این یک حق برای زندانیان به شمار نمی‌آمد و زندانی هم نمی‌توانست به عدم اجازه مسئولان زندان در دادن ملاقات اعتراضی داشته باشد. بعد از مشروطه چنان که گفته شد در آئین‌نامه حق ملاقات زندانیان گنجانده شد و به دنبال آن به تدریج در ساختار زندان‌ها اتاق یا اتاق‌هایی ایجاد شد تا زندانی در آن با اعضای خانواده و بستگان خود ملاقات کند. در زندانی که سوئدی‌ها در تهران ساختند، اتاق ملاقات وجود نداشت لیکن ملاقات‌ها در گوشه‌ای از زندان

انجام می‌شد^۴ (کمیته مجازات و خاطرات عماد الکتاب، ۳۸۴: ۱۶۲). در اواخر دوره قاجار هر هفته دو روز یعنی یک شنبه‌ها و چهارشنبه‌ها برای ملاقات زندانیان اختصاص یافته بود. در روزهای ملاقات جمعیت زیادی پشت در زندان جمع می‌شدند. یک نگهبان در دفتر ویژه اینامفرد را ثبت می‌کرد و مراقب بود که افراد در انجام ملاقات مطابق قانون رفتار کنند. در دوره رضاشاه نیز هر هفته دو روز برای ملاقات زندانیان در نظر گرفته شده بود؛ یک روز برای زندانیان غیر سیاسی و یک روز برای زندانیان سیاسی. در دوران پهلوی دوم نیز زندانیان به طور معمول هر هفته دو مرتبه حق ملاقات داشتند و مدت هر ملاقات ۱۵ دقیقه بود (هومن، ۱۳۳۹: ۱۵۹).

محل ملاقات زندانیان سیاسی در زندان موقت اتاق بزرگی بود که در اطراف اتاق نیمکت‌های چوبی گذاشته بودند. جارچی‌ها^۵ زندانی را صدا می‌زدند. در دوران بعد از کودتای ۲۸ مرداد سروان جوانشیر رئیس زندان موقت پشت میزی جلوی اتاقش داخل حیاط فلکه مستقر شده و برای هر زندانی که ملاقاتی داشت، کارت خروج صادر می‌کرد. زندانی با آن کارت از بند خود خارج می‌شد و به اتاق ملاقات می‌آمد. از سوی دیگر ملاقاتی هم کارتی می‌گرفت و وارد اتاق ملاقات می‌شد (کی مرام، ۱۳۷۴: ۴۰۲). ولی به‌طور کلی دریافت برگه ملاقات چندان آسان نبود و خانواده‌های زندانیان می‌بایست مدتی نوبت بگیرند تا وقت به آنها رسیده اجازه ملاقات کسب کنند (خطیبی، ۱۳۳۳: ۵۰).

معمولاً نزدیکان و منسوبین محکوم تقاضای ملاقات را به مدیر زندان می‌دادند و در صورتی که محکوم متهم به جنحه و جنایت می‌بود، از دادگاه کارت مخصوصی جهت ملاقات زندانی دریافت می‌داشتند و این کارت در کلیه زندانها معتبر به شمار می‌آمد (هومن، ۱۳۳۹: ۱۵۸). بر طبق یادداشت‌های خطیبی بعد از کودتای ۲۸ مرداد هفته‌ای دو روز یعنی یک شنبه‌ها و پنج شنبه‌ها زندانیان بازداشتگاه فرمانداری نظامی حق ملاقات داشتند و می‌توانستند یک ربع با خانواده و خویشان خود ملاقات کنند. البته برای همه این قدر سخت‌گیری وجود نداشت و برخی زندانیان هر روز ملاقاتی داشتند و ساعت ملاقات‌شان هم محدود نبود (خطیبی، ۱۳۳۳: ۵۰). به عنوان شاهد سرتیپ مهندس تقی ریاحی رئیس سابق ستاد ارتش و استاد دانشکده فنی دانشگاه تهران بعد از کودتا در زندان قصر محبوس بود. ریاحی هر هفته دوستان خود را در زندان قصر ملاقات می‌کرد (خواندنیها، ۱۳۳۳: ۱۱).

ملاقات باعث گردیده بود تا در ساختار زندان نیز تغییراتی صورت پذیرد. به عنوان نمونه زندان شماره ۳ قصر با ۲ در مشخص می شد که یک در برای ملاقاتی ها بود و به اتاق ملاقات راه داشت و در دیگر برای ورود و خروج به زندان بود (عمویی، ۱۳۷۷: ۱۳۲). با حبس دختران و زنان برای این طیف هم در زندان اتاق ملاقات ایجاد شد. راضیه ابراهیم زاده به ملاقاتش در زندان زنان تهران در اواخر دهه ۲۰ اشاره می کند (ابراهیم زاده، ۱۳۸۱: ۲۴۸). اتاق ملاقات کوچک «ندامتگاه نسوان» زندان قصر با یک توری به دو قسمت تقسیم شده بود (حاجبی تبریزی، ۱۳۸۴: ۶۱) و زندانیان در شرایط عادی با خویشان خود ملاقاتی داشتند (ابراهیم زاده، ۱۳۸۱: ۲۴۸؛ خاطرات مرضیه حدیدچی، ۱۳۸۶: ۹۱ و ۹۰).

ولی باید عنایت داشت که بسیاری از مواقع شاهد تقدم و اولویت قدرت یا وضع دوفاکتو بر حقوق و وضع دوزور هستیم. در واقع اعطای حق ملاقات تابع وضع سیاسی روز و شرایط حاکم بر کشور بود. در دهه ۲۰ و قبل از کودتا بازداشت متهمان کوتاه مدت بود و متهمان حتی از نوع توده ای شان زودآزاد می شدند (جزنی، بی تا: ۱۷). در این شرایط وضع ملاقات ها هم مناسب بود. به نوشته کیانوری وی و هم بندان توده ای اش از نظر ملاقات کاملاً آزاد بودند یعنی نه فقط بستگان بلکه دوستان و آشنایان نیز می توانستند به ملاقاتشان بیایند (کیانوری، ۱۳۷۲: ۱۹۴ و ۱۹۳). ولی در برابر آزادی های نسبی دهه ۲۰ در سال های پس از کودتا به ویژه دهه ۵۰ وضع کاملاً متفاوت بود. با فراگیر شدن استبداد در دهه ۵۰ ملاقات بسیاری از زندانیان در عمل به حالت تعلیق درآمد (بهداد، ۱۳۷۷: ۴۲). در اوین هنگامی که ملاقاتی به زندانیان داده می شد، نشانگر آن بود که دوره خطر برای زندانی گذشته است (یادداشت هایی از زندان اوین، بی تا: ۲۲).

برخی افراد ذی نفوذ در هیئت حاکمه ملاقات های خاص خود را داشتند به طوری که به عنوان نمونه وضع فریدون مهدوی فرزند امین الضرب^۶ و از خویشان اشرف پهلوی در سال ۴۱ در قیاس با دیگر زندانیان قابل توجه بود. در حالی که دیگر زندانیان هفته ای یک روز ملاقات داشتند ولی مهدوی هر روز ملاقات داشت (پارسا، ۱۳۸۸: ۱۶۷).

در حالی که برخی یقه سپیدها هم چون مهدوی مورد اشاره به شکل فراقانونی از ملاقات های پی در پی و طولانی مدت بهره مند می شدند، بودند زندانیانی که به مدت طولانی امکان استفاده از حق ملاقات را نداشتند. در اینجا البته باید شرایط خانواده های

زندانیان را در نظر گرفت. باید توجه داشت که «ملاقات» یکی از طرق ارتباط زندانی با دنیای خارج است و در این تعامل و تعاطی باید نقش خانواده زندانیان را تحلیل کرد. یکی از مسائل اساسی در این ارتباط فاصله زندان با محل سکونت خانواده زندانی بود. به عنوان نمونه زندان برازجان یکی از دورافتاده ترین زندان هایی بود که گروه های مختلف اعم از توده ای، ملی و مذهبی و کردهای حزب دموکرات در آنجا محبوس بودند و امکان رفت و آمد برای بسیاری از خانواده ها عملاً وجود نداشت. در زندان برازجان ملاقات حضوری زندانیان سیاسی اغلب ۶ ماه یکبار بود آن هم اول پاییز و اول فروردین (خاطرات صفرخان، ۱۳۷۸:۱۳۲ و ۱۳۱). خانواده های زندانیان می بایست از راههای دور برای ملاقات بستگان خود حرکت کنند که با وسایل و امکانات آن روزگار این امر برای هرکسی مقدور و میسر نبود. برخی از خانواده های زندانیان سیاسی به خانه افراد محلی و یا در مسافرخانه برازجان می رفتند تا زمان ملاقات شان در رسید (خاطرات ماشاءالله کازرونی، ۱۳۸۸: ۱۳۵). کی منش و بلوریان^۷ هم وضع ملاقات زندان برازجان را برنجهی که ذکر شد، تصدیق کرده اند. به نوشته کی منش در برازجان به ندرت ملاقاتی وجود داشت؛ چرا که هرکس که می خواست از تهران یا هر شهر دیگری به ملاقات برود، باید حداقل ده روز برای این کار وقت صرف می کرد (کی منش، ۲۰۱۹: ۱۲۵). غنی بلوریان هم در این رابطه اظهار می دارد «فقط سالی یک بار حق ملاقات با اعضای خانواده را داشتیم، که بیش تر فارس ها از این فرصت استفاده می کردند» (بلوریان، ۱۳۸۴: ۳۱۱).

در چنین شرایطی ارسال نامه سهل الوصول ترین جایگزین ملاقات تلقی می شد. سرگرد جعفر وکیلی از اعضای سازمان افسری حزب توده که به دنبال اعترافات عباسی بازداشت شد^۸، در یکی از نامه زندان مورخ ۳۳/۸/۱۰ خود خطاب به همسرش می نویسد: «اگر دیدی اجازه ملاقات نمی دهند، نامه بفرست» (وکیلی، ۱۳۵۹: ۱۵).

بدین ترتیب روشن است که افراد ذی نفوذ می توانستند به شکل فراقانونی بیش از حق خود از ملاقات های مکرر سود ببرند و در مقابل زندانیان مغضوب از حقوق قانونی خود گاه و بی گاه محروم می شدند.

۴. تکنولوژی و سلطه توتالیتار در اتاق ملاقات

آنچه پیش از این در مورد ملاقات زندانیان در دوره قاجار و اوایل دوران رضاشاه گفته شد، نشانگر آن است که ملاقات زندانی با افراد خانواده و بستگان خود آشکارا و به صورت حضوری و در فضای غیر بسته صورت می گرفت و طرفین می توانستند یکدیگر را بدون هیچ مانعی ملاقات کنند. اما به نظر می رسد که با حضور نمایندگان دولت ایران در کنگره های بین المللی پلیس و زندان تکنیک های نوین فرا گرفته شد و در نهادهای مرتبط به کار گرفته شد. در میان زندانیان سیاسی دوره رضاشاه تنها پیشه وری و طببری هوشمندانه به تغییر تکنیک و شرایط اتاق ملاقات اشاره کرده اند (خزائی، ۱۳۹۸: ۱۷۷ و ۱۷۶). ایجاد شبکه ها و نرده های آهنین در درون اتاق ملاقات نشانی از گفتمان سلطه نوین بود. در دوران بعد از کودتا اغلب زندان ها با تورهای سیمی تجهیز شده بودند و اتاق های ملاقات با ساختار جدید میله ای و تور سیمی ساخته شده بود. ملاقات ها از پشت میله ها و مأمورین هم بر گفتگوها نظارت داشتند (سالنامه توده، ۱۳۴۹: ۱۶۹). نصب تور^{۱۱} میان زندانی و ملاقات کننده جدایی می افکند و باعث می شد چهره طرفین بخوبی معلوم نباشد (تاریک روشن، ۱۳۸۷: ۵۸؛ کمالوند، ۱۳۸۰: ۲۵۸).

خطیبی که بعد از کودتای ۲۸ مرداد به زندان افتاد، اتاق ملاقات زندان موقت شهربانی^{۱۱} را این گونه توصیف می کند: «اتاق ملاقات زندان موقت شهربانی عبارت است از یک محوطه نسبتاً وسیع که وسط آن از دو طرف میله های آهنین قرار دارد بطوریکه فاصله بین این دو نرده در حدود دو متر می شود...» (خطیبی، ۱۳۳۳: ۳۳).

در دوره پایانی حکومت پهلوی هم ملاقاتها با واسطه و از پشت نرده و یا پنجره های فلزی صورت می گرفت. به این ترتیب که زندانی این سوی نرده می ایستاد و خانواده اش حدود یک متر آن طرف نرده به گفتگو می پرداختند (خاطرات محمدحسن خاکساران، ۱۳۸۳: ۲۲۲ و ۲۲۳). اتاق ملاقات با دو ردیف میله آهنی به دو بخش کاملاً مجزا تقسیم می شد. زندانیان پشت میله های داخلی و خانواده ها پشت میله های خارجی می ایستادند و مأمور کنترل بین دو ردیف قدم می زد و بر ملاقاتها نظارت می کرد. آنچه را که ملاقات کنندگان برای زندانیان می آوردند، به انبار تحویل داده می شد تا بعدها پس از بازرسی تحویل وی شود (بقیعی، ۱۳۷۳: ۴۴۴).

قهرمانلو اتاق ملاقات زندان قصر در سال ۵۴ را این گونه توصیف کرده است:

اتاق ملاقات زندان و فراگرد کنترل تکنولوژیکی ... (یعقوب خزائی) ۳۰۳

اتاق ملاقات یک سالن دراز بود که در میان آن، دو ردیف نرده آهنی که تا سقف می‌رفت از یک سر سالن به ته آن نصب کرده بودند. فاصله میان دو دیوار نرده‌ای یک متری بود. ملاقاتی‌ها در آن سوی نرده‌ها و ما زندانی‌ها در این سوی نرده‌ها می‌ایستادیم و از فاصله یک متری با صدای بلند با یکدیگر حرف می‌زدیم. همیشه چند نفر پاسبان در میان این دو دیوار قدم می‌زدند و گفتگوی ما را کنترل می‌کردند. آن‌ها همچنین مواظب بودند تا چیزی میان ملاقاتی و زندانی بدهستان نشود. می‌بایست داد می‌کشیدی تا آنطرف صدای تو را بزحمت بشنود (قهرمانلو، ۲۰۱۵: ۲۲۸).

روزهای ملاقات، معمولاً هر مرتبه هفت یا هشت نفر به اتاق ملاقات می‌رفتند و زمانی که برمی‌گشتند دسته دیگری به اتاق مذکور راهنمایی می‌شدند تا اینکه تمام ملاقاتی‌ها خاتمه می‌یافت (کمالوند، ۱۳۸۰: ۲۴۱) برخی مواقع به طور همزمان تعداد زیادی در اتاق ملاقات دیدار و گفتگو می‌کردند و چون فاصله این افراد در اتاق ملاقات زیاد بود و صدایشان به گوش همدیگر نمی‌رسید، ناگزیر می‌شدند فریاد بزنند (خاطرات حجت‌الاسلام محسن دعاگو، ۱۳۸۲: ۱۵۴). به نوشته خطیبی در روزهای ملاقات زندانیان پشت نرده آن طرفی می‌آیند و ملاقات کنندگان پشت نرده این طرفی و میان دو نرده هم دو نفر پاسبان قدم می‌زنند. معمولاً چون ملاقات‌ها به طور دسته جمعی صورت می‌گیرد و در هر مرحله بیش از ۱۰۰ تن زندانی و ۲۰۰ نفر ملاقات کننده به اتاق ملاقات هجوم می‌آورند، لذا از شدت داد و فریاد و قال و مقال صدا به صدا نمی‌رسد (خطیبی، ۱۳۳۳: ۳۴). بنابراین با ایجاد موانعی همچون تور سیمی و میله‌های آهنی میان ملاقات کننده و ملاقات شوندگان فاصله ایجاد گردید بطوریکه دیگر امکان تماس بدنی میان طرفین وجود نداشت. از این رو یکی از خواسته‌های خانواده‌ها در اعتصابات و اعتراضات خود همین عامل «فاصله» بود چنان‌که در اوایل فروردین ماه ۱۳۵۷ جمع کثیری از مادران زندانیان سیاسی به دفتر نخست وزیری و وزارت دادگستری رفته و خواهان رسیدگی به وضع کسان خود شدند. جالب این‌که یکی از خواست‌های مادران که در اسناد محرمانه دولتی منعکس شده است «کم کردن فاصله بین ملاقات کنندگان و ملاقات شوندگان» اعلام شده بود (موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند شماره ۱- ۳۱ - ۰ - ۱۴۴ م؛ همان: سند شماره ۳۳۱- ۲۶۴- ۷- م).

ولی باوجود تمام کنترل‌ها در اتاق ملاقات باز هم زندانیان اطلاعات مهمی را از طریق دیدار با خانواده‌هایشان به خارج از زندان ارسال می‌کردند. زندانیان از طریق ملاقات گزارش رویدادهای زندان و آنچه در دادگاه‌های در بسته رژیم می‌گذشت، را به بیرون از زندان انتقال می‌دادند (نجات حسینی، ۱۳۸۲: ۳۴۱). در واقع خانواده‌ها ضمن ملاقات با دادن روحیه به زندانیان نقل و انتقال اخبار و مدارک از زندان به بیرون را نیز انجام می‌دادند (حق‌شناس، ۱۳۹۸: ۳۱۷ و ۳۱۶). به عنوان شاهد خلیل ملکی در هنگام ملاقات نامه‌ای به صورتی پنهانی به جلال آل احمد داده بود تا او به آبرت کارتی دبیر بین‌الملل سوسیالیست‌ها در لندن بفرستد. این نامه را جلال آل احمد از زندان هنگام ملاقات گرفته و به اروپا ارسال کرده بود (ملکی، ۱۳۸۱: ۳۴۳).

اینکه چرا نظام زندان سعی در کنترل فضای اتاق ملاقات داشت، به فرار زندانیان و نیز دادن وسایل، مدارک و اطلاعات درون زندان به بیرون از زندان هم مربوط می‌شد. ملاقات یکی از مواقعی بود که زندانیان برای فرار از زندان برنامه ریزی می‌کردند. به نوشته کی مرام در حین ملاقات سیاسی‌ها یکی از زندانیان در زندان موقت فرار کرد و این امر موجب اعلام وضع فوق‌العاده گردید. سروان جوانشیر به همراه عده‌ای پاسبان به حیاط فلکه آمده بودند و سه مرتبه زندانیان را سرشماری کردند. همان شب معلوم شد که یکی از اعضای کمیته شهرستان سازمان جوانان حزب توده با استفاده از یک برگه ملاقات جعلی که ملاقات‌کننده‌ای در سالن ملاقات به او تحویل داده بودند، با کمی تغییر قیافه از زندان گریخته بود. سروان جوانشیر رئیس زندان به یک مرخصی اجباری فرستاده شد و چند تن از ماموران زندان به دلیل اهمال در انجام وظایف خود بازداشت شدند. افسر نگهبان جدیدی که موقتاً آمد تمام محدودیت‌های ممکن را برای زندانیان برقرار کرد. بدین ترتیب بود که سالن ویژه ملاقات زندانیان سیاسی بسته شد. سیاسی‌ها مجبور شدند در محل نامساعد زندانیان عادی ملاقات‌های خود را انجام دهند. تمام کتب و وسایل شطرنج جمع‌آوری شد و انبار کمون تعطیل گردید. در ضمن در بندها قفل شد و هیچ زندانی حق نداشت بدون اجازه از بند خودش خارج شود. چند روز بعد بسیاری از زندانیان را که اقامتشان طولانی شده بود، و محاکمه‌ای در پیش نداشتند، را به زندان‌های دیگر انتقال دادند. گروهی از زندانیان به خارک تبعید شدند و گروهی به زندان‌های شهرستان‌ها و عده‌ای هم به زندان قصر (کی مرام، ۱۳۷۴: ۴۴۲ - ۴۴۰).

اشرف دهقانی^{۱۲} نیز به فرار خود در ۵ فروردین ماه ۱۳۵۲ از زندان زنان قصر اشاره کرده است. این فرار در هنگام ملاقات حضوری با استفاده از پوشش چادر اتفاق افتاد (دهقانی، بی تا: ۲۶۹ - ۲۶۷؛ بازرگان، ۱۳۷۲: ۹).

با وجود این همین ملاقات کنترل شده و مسخ شده برای زندانیانی که در گوشه زندان دوران محکومیت را می گذرانند، ارزشمند بود. به نوشته خطیبی لطفی وزیر دادگستری مصدق در زندان زرهی روزهای دوشنبه و جمعه ملاقات داشت. هر وقت که فرزندان لطفی در زندان به ملاقاتش می آمدند، این پیرمرد تمام غصه هایش را فراموش می کرد و آن روز تا غروب خوشحال بود (خطیبی، ۱۳۳۳: ۸۰).

اما تغییر بنیادین تکنولوژیک در فضای اتاق ملاقات در دهه ۵۰ شمسی در زندان اوین ایجاد شد. در دهه ۵۰ سیستم پیشرفته‌ای در زندان مورد اشاره برای ملاقات در نظر گرفته شد؛ به این ترتیب که زندانی در اتاقی شبیه کیوسک تلفن قرار می گرفت و از طریق گوشی تلفنی که داخل اتاق بود با ملاقات کننده که اتاق روبرو نشسته بود و او هم گوشی در اختیار داشت، گفتگو می کرد. البته باز هم امکان گفتگوی مستقیم و بلاواسطه به دلیل وجود شیشه ضخیم و دو جداره که دو اتاق را از هم جدا می کرد، وجود نداشت (خاطرات محمدحسین خاکساران، ۱۳۸۳: ۲۲۳؛ مظاهری، ۱۳۸۵: ۲۶۸؛ خاطرات حجت‌الاسلام محسن دعاگو، ۱۳۸۲: ۱۸۰ و ۱۸۱). در زندان اوین تمامی گفتگوهای اتاق ملاقات ضبط می شد تا اگر حرفی مشکوکی بین طرفین رد و بدل شد، ساواک از آن مطلع گردد و قضیه را پیگیری کند (خاطرات حجت‌الاسلام محسن دعاگو، ۱۳۸۲: ۱۸۱). بدین ترتیب سازمان زندان با استفاده از تکنولوژی های نوین کنترل تمام جزئیات رفتارهای اتاق ملاقات را زیر نظر گرفت بطوریکه پیشتر در ملاقات های حضوری گاه به گاه در مواقع ملاقات فرار زندانیان دست می داد ولی با ایجاق کیوسک و شیشه های دوجداره و ضبط گفت وگوهای زندان عملاً بحث فرار زندانیان و خارج کردن اطلاعات و مدارک از زندان به خارج از آن منتفی شد. بدین ترتیب با برقراری ارتباط تلفنی در اتاق ملاقات تمامی گفتگوهای زندانیان و بستگانشان ضبط می شد و از این جهت تکنولوژی به مدد زندان آمده بود تا اسارت زندانیان دو چندان احساس شود.

۵. نتیجه‌گیری

با تدوین حقوق کیفری نوین در دوران مشروطیت زندانیان هم واجد حقوقی انکارناپذیر شدند. یکی از حقوق زندانیان حق ملاقات با خانواده و بستگان بود و به همین جهت در ساختار زندان مدرن اتاق ملاقات به وجود آمد. مساله مقاله کنونی این بود که آیا اعطای حق ملاقات به زندانیان را باید امری رو به جلو و نماد ترقی در عرصه حقوقی تصور کرد؟ یا اینکه برخلاف دیدگاههای مدرن باید ملاقات در زندان مدرن را زنجیر اسارتی دیگر تعبیر کرد؟ بسیاری از تحقیقات در خصوص ملاقات با پیش فرض قراردادن دیدگاههای آرمانی این کنش را مترقی و در ساحت حقوق انسانی زندانیان تعبیر و تفسیر کرده اند ولی مقاله حاضر ضمن تردید در چنین دیدگاه‌های موضع اتاق ملاقات را در پیوند با رویه های کنترل گرانه قدرت بازنمایی کرده است. در واقع با تدوین حقوق کیفری نوین و اعطای حق ملاقات علی الظاهر پیشرفتی در شرایط زندان و زندانیان دیده می شود، ولی اگر دقیق و عمیق تر به قضایا نظر بیفکنیم، آنگاه زنجیرهای نوین در پوشش ملاقات خود را بر ما ظاهر می سازند. این زنجیرها همان هستند که به تدریج در ملاقات و اتاق ملاقات شکل می گیرند. قبلا ملاقات‌ها در فضایی کاملا آزاد و بدور از هر گونه کنترل انجام می شد و محلی خاص به نام اتاق ملاقات ساخته نشده بود. ولی ابتدا اتاق ملاقات ساخته شد و از دوران پهلوی با به‌کارگیری تکنیک های نوین و استمداد از تکنولوژی رویه ای نوین آغاز شد. تکنولوژی همان‌طور که متفکران بزرگی چون هایدگر و مارکوزه نیز بر آن انگشت گذارده‌اند، برای اسارت و کنترل انسان مدرن نقش کلیدی بازی می کند. تغییرات در فضای کالبدی اتاق ملاقات معطوف به کنترل هر چه بیشتر افراد در این فضا بوده است. ابتدا تور سیمی بین افراد ملاقات کننده و زندانیان کشیده شد و یک پاسبان در آن بین بر گفتگوها نظارت داشت. بعدها با ساخت زندان اوین در آغاز دهه ۵۰ شمسی فضای اتاق ملاقات بیش از پیش تحت کنترل قرار گرفت به‌طوری‌که در اوین شیشه نشکن و ضد صوت در اتاق ملاقات ایجاد شده بود و گفتگوهایی که از طریق تلفن انجام می پذیرفت، ضبط می شد و شاید در این شرایط زندانیان حتی نمی‌توانستند مسائل خصوصی زندگی خود را با خانواده شان در میان بگذارند. گو این‌که فن آوری به کمک زندان آمده بود تا حتی تعیین کند که در ملاقاتها زندانیان

چه باید بر زبان بیاورند و چه بر زبان جاری نسازند. لذا فضای کنترل شده ای سامان یافت که به واسطه آن ویژگی آزاد منشانه ی این کنش از میان رفت. بنابراین اگر فی‌المثل در دوره ی ماقبل مشروطه برخی زندانیان براساس روابط شخصی و یا دادن رشوه ملاقاتی می داشتند، آن ملاقات آزادانه، حضوری و بدون هیچ گونه مانع و رادعی صورت می گرفت ولی در دوره ی جدید ملاقات که به مثابه حق انکارناپذیر زندانیان تعریف شده بود، با اشکال متنوعی از کنترل و اسارت زندانیان و خانواده هایشان همراه بود. بشر گذشته نمی توانست افراد جامعه را به طور کامل کنترل کند. این انسان مدرن بود که حتی به صرافت افتاد تا افکار و اذهان را هم تحت کنترل خود درآورد. ملاقات هم به عنوان حق زندانی به تدریج تحت کنترل شدید درمی آید به طوری که با انفکاک افراد در دو سوی اتاق کیوسک مانند با شیشه های دوجداره امکان ارتباط حضوری از بین رفت و گفتگوهای اتاق ملاقات شنود می شد. بدین ترتیب ملاقات زندانیان در فضای اتاق ملاقات به شیوه ای توتالیتری تحت کنتری شدید زندان درآمد و در این ساحت کنش مذکور به نوعی مسخ شدگی مبدل شد، لذا محاصره سیاسی بدن از طریق استراتژیهای انضباطی تکمیل می گردد.

هو العزیز

ملت مسلمان ایران از ادامه توقیف حضرت سید مجتبی
نواب صفوی بشدت خشمناک است

شبها، روزها، هفته‌ها، ماهها از بازداشت ظالمانه حضرت نواب
صفوی میگذرد شخص ایشان راضی نبودند که مسلمانان غیور برای رفع این
محدودیت اقدامی کنند ما فرزندان اسلام و ایران پیروی از نیاتشان برای
حفظ مصالح عمومی بهیچ اقدامی نیرداخته ناظر کمال رذالت و بی شرمی
هیئت حاکمه در این خصوص بودیم، چه بس بی حیا بودند و از نجات ما
شرم نکردند.

عصر شنبه امروز (۳۰/۱۰/۳۹) که مسلمانان غیور بزندان قصر برای
دیدارشان رفته بودند عده‌ای از ملاقات‌کنندگان محترم در پایان ملاقات به
عنوان اعتراض بادامه این بازداشت خانثانه که جنایت بزرگی بساحت مقدس
اسلام و ملت مسلمان ایران است در خدمت حضرت نواب صفوی بماندند و به
دولت رسماً اعلام نمودند که تا آخرین دقیقه‌ای که بازداشت غیر قانونی
حضرت نواب صفوی ادامه دارد بنمایندگی مسلمانان حقیقی ایران در زندان
متوقف خواهند بود، اینک، اینک، هیئت حاکمه خواب آلود آنی بخود
آید و با کمال احترام و عذر خواهی رفع محدودیت از رهبر معظم فدائیان
اسلام را بملت مسلمان ایران اعلام کند و آتش خشم عمومی را فرو نشاند
که تأخیر هر دقیقه‌ای هزاران پشیمانی واسف بیار آورد

بیاری خدای توانا فدائیان اسلام

۶-۲۶-۲۵۶ الف

تصویر ۱. اعلامیه شماری از ملاقات‌کنندگان نواب صفوی:

(موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند شماره، سند شماره ۶-۲۶-۲۵۶ الف)

تاریخ
شماره
پرست

شعبه مشاوره



بغرض برسد

دروزرز یکشنبه ۱۳۹۷/۱/۶ از سازمان اطلاعات و امنیت کشور اطلاع دادند حد و بکه‌ها را بنظر این‌ها نوان که فرزندندان
بایستگان آنها به اتهام سیاسی در زندان قهر هستند بدرب زندان مراجعه و چون نتیجه‌ای نگرفتند تصمیم گرفتند
بدهد قسمت تقسیم شوند ، عده‌ای به نخست‌وزیری و عده‌ای به وزارت دادگستری مراجعه نمایند ، مراتب به عرض جناب آقای
کاشانی وزیر محترم مشاور و معاون اجرایی نخست‌وزیر رسید دستور فرمودند آنها در دفتر آجناب با شرکت اینجانب پذیرفته
شوند کپس از مدتی کوتاه عده‌ای به نخست‌وزیری مراجعه نموده بودند با راهمنا لئی رئیس کلانتری مرکز ۵ شهر ازمین خود
انتخاب و در دفتر آجناب کورنئس کلانتری و آجناب هنر شرکت داشتند جنوری بهرمانند نگذاشته آجناب به مطالبی
در باره و ملروم راهمنا لئی‌ها لازم از نظر سرپرستی والدین نسبت به فرزندان خود و استعانت از آنها بیان داشتند و سبب
نسبت به درخواست آنها استعلام فرمود بدنگه یکی از بانوان به نام بانگی از طرف جبار زنگره بگریه‌های ابراهیم نمود
و چنان‌که برامورد توجه خود درخواست رسیدگی نمود :

- ۱- رسیدگی به مواد غذایی به‌ویژه باک کردن بویج و حبوبات
- ۲- ارسال روزنامه‌ها بدون بریدن بعضی از مطالب آنها
- ۳- بخش بر نامه‌های یادیهوشی

۴- کم کردن ناهله‌ها بین ملاقات کنندگان و ملاقات شوندگان

ضمناً با استحضار و معریا ندکه در روز دوشنبه ۱۳۹۷/۱/۷ ساعت ۳ بعد از ظهر در دفتر بگسراژ بانوان مجدداً به
نخست‌وزیری مراجعه و با آجناب ملاقات نمودند ، پیرومه‌اگر اکثر وقت اینجانب نیز معطانی در باره راهمنا لئی
و ارشاد فرزندانشان آنها متذکر شد مودر مودر خواسته‌های آنها استعلام نمودم که نکات زیر را یاد آورده شدند :

- ۱- پلیس نگهبان زندان قهر نسبت به بانوان مراجعه کننده بدر وقتاری میضاید
- ۲- استندمای تجدید نظر رسیدگی نسبت به وضع زندان این را دانستند ،
- ۳- اجازت ملاقات دادن به آنها
- ۴- اجازت به بیخراهندا نرادی به نام بانگی از نظر خاندان و زنده اندان به زندان مراجعه و معریا زیست و خوراگ و دیگر وسعیت
آنها را از نزدیک مشاهده نماید .
- در خانه به یاد آورده شود که تمام موارد یاد شده بالا بوسیله بانجانب با لفظ " با اطلاع تیمسار سرستیب پرنیان قورنئس
سازگ تهران رسیده است .

با احترام . عرض شد
۱۳۹۷/۱/۸

شعبه مشاوره

۷-۲۶۴-۳۳۱

تصویر ۲. درخواست مادران زندانیان سیاسی از مقامات مسئول مبنی بر کاستن از فاصله میان ملاقات کنندگان و ملاقات شوندگان (موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند شماره ۳۳۱-۲۶۴-۷-م)

پی‌نوشت‌ها

۱. برخی از آئین نامه‌هایی که مستشاران سوئدی در دوران مشروطه تدوین کردند، عبارت بود از: نظامنامه محابس، قواعد عمومی، نظامنامه رؤسا و مأمورین نظمیه، احکام و دستورالعمل‌های اداره نظمیه.

۳۱۰ جستارهای تاریخی، سال ۱۲، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰

۲. برخی محققان به اشتباه تصور نموده‌اند که حق ملاقات زندانیان نخستین بار در آیین نامه ۱۳۰۷ لحاظ گردید (گودرزی بروجردی و مقدادی، ۱۳۸۳: ۱۹۹).
۳. زندان عصر قاجار را «انبار» می‌نامیدند («اجرای حکم اعدام»، ۱۳۵۴: ۱۷).
۴. همانطوری که دشتی اشاره کرده است، ملاقات با زندانیان محبس عمومی که همگی از سارقان بودند، ممنوع بود (دشتی، ۱۳۸۰: ۵۹).
۵. آرشاک یکی از زندانیان زندان موقت شهربانی تهران صدای بمی داشت و از او به عنوان بلندگوی زندان استفاده می‌شد. آرشاک نام زندانیانی که در دفتر زندان با آنان کار داشتند و یا ملاقاتی داشتند، صدا می‌زد. آرشاک از این کار خود روزی ۱۰ الی ۱۵ تومان درآمد داشت (خطیبی، ۱۳۳۳: ۳۰).
۶. مهدوی بعد از آزادی از زندان به مقام وزارت بازرگانی رسید.
۷. یکی از اعضای حزب دموکرات کردستان.
۸. روز ۲۱ مرداد ۱۳۳۳ قریب به یک سال بعد از کودتا سروان عباسی دستگیر شد و به دنبال اعترافات وی ۲۷ افسر از جمله وکیلی اعدام و قریب به ۶۰۰ تن راهی زندان شدند (علوی، ۱۳۸۵: ۱۷۸؛ خامه‌ای، ۱۳۷۱: ۱۰۴۴).
۹. البته هنوز زندان‌های مهمی همچون قزل قلعه هم بودند که در آنها ملاقات‌ها حضوری انجام می‌گرفت. به گفته پارسا خانواده‌ها در محوطه بیرون قزل قلعه می‌آمدند و زندانیان هم چهارپایه‌های تاشویی محقری داشتند که می‌بردند و با خانواده‌ها می‌نشستند و صحبت می‌کردند (پارسا، ۱۳۸۸: ۱۷۴).
۱۰. نصب توری میان زندانی و ملاقات‌کننده به خاطر ممانعت از تماس احتمالی بود (همگام با آزادی، ۱۳۸۹: ۲۰۶).
۱۱. همان کمیته مشترک ضد خرابکاری و یا موزه عبرت کنونی در میدان مشق است.
۱۲. برادر بهروز دهقانی از اعضای سازمان چریک‌های فدایی خلق

کتاب‌نامه

الف) کتاب

ابراهیم زاده، راضیه (۱۳۸۱) *خاطرات یک زن توده‌ای*، به کوشش بهرام چوبینه، تهران: دادار

اتاق ملاقات زندان و فراگرد کنترل تکنولوژیکی ... (یعقوب خزائی) ۳۱۱

اسنادی از زندان و زندانیان در عصر پهلوی (۱۳۳۰ - ۱۳۰۴) (۱۳۸۴) زیر نظر علی شمس، با همکاری علی کریمیان و حسین زرینی، تهران: راه تربیت

بازرگان، پوران (۱۳۷۲) «خاطره من از مشارکت زنان در بخشی از جنبش مسلحانه دو دهه ۱۳۴۰ و ۵۰» مجله آرش شماره ۲۶ - ۲۵

بازرگانی، بهمن (۱۳۹۷) *زمان بازیافته خاطرات سیاسی بهمن بازرگانی*، مصاحبه کننده امیر هوشنگ افتخاری راد، تهران: اختران.

بقیعی، غلامحسین (۱۳۷۳) *نگیزه (خاطراتی از دوران فعالیت حزب توده) تهران: رسا*

بلوریان، غنی (۱۳۸۴) *ثاله کوک (برگ سبز) خاطرات غنی بلوریان*، ترجمه رضا خیری، چاپ دوم، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا

بهداد (۱۳۷۷) *فتنه دور قمری (خاطرات زندان)*، تهران: ما

پارسا، اصغر (۱۳۸۸) *فرزند خصال خویشتن*، به همت علی پارسا، تهران: نی

جزنی، بیژن (بی تا) *تاریخ سی ساله ایران*، بی جا: بی تا.

جهانشاه لوفشار، نصرت الله (۱۳۸۰) *ما و بیگانگان*، تهران: ورجاوند

جودت، حسین (۲۵۳۶) *از انقلاب مشروطیت تا انقلاب شاه و ملت*، بی جا: درخشان

تاریک روشن: *خاطرات زندانیان سیاسی قبل از انقلاب در کمیته مشترک ضدخرابکاری (۱۳۸۷)*

تدوین: سیدسعید غیاثیان، تهران: موزه عبرت ایران

حاجبی تبریزی، ویدا (۱۳۸۴) *داد بی داد: نخستین زندان زنان سیاسی ۱۳۵۷ - ۱۳۵۰*، چاپ سوم، تهران: بازتاب نگار

حق شناس، تراب (مرتضی) (۱۳۹۸) *از فیضیه تا پیکار خاطرات و نوشته ها*، فرانکفورت: اندیشه و پیکار.

خامه ای، انور (۱۳۷۲) *خاطرات سیاسی*، تهران: گفتار

خاطرات مرضیه حدیدچی (دباغ) (۱۳۸۶) به کوشش محسن کاظمی، چاپ دوم، تهران: سوره مهر

خاطرات حجت الاسلام محسن دعاگو (۱۳۸۲) *تدوین: زهره کلاچیان*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

خاطرات محمدحسن خاکساران (۱۳۸۳) *تدوین: مرکز اسناد انقلاب اسلامی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

خاطرات ماشاء الله کازرونی (۱۳۸۸) *مصاحبه و تدوین سید قاسم یاحسینی*، تهران: سوره مهر

خزائی، یعقوب (۱۳۹۸) *فرایند ساخت یابی نهاد زندان*، تهران: آگه : چاپ سوم

خطیبی، پرویز (۱۳۳۳) *خاطرات زندان حاجی بابا*، تهران: بی تا

۳۱۲ جستارهای تاریخی، سال ۱۲، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰

- دشتی، علی (۱۳۸۰) *یام محبس*، تهران: اساطیر
- دهقانی، اشرف (بی تا) *حماسه مقاومت*، بی جا: مردم
- زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی دکتر تاج زمان دانش (۱۳۸۸) تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
- سالنامه توده (۱۳۴۹) بی جا، انتشارات حزب توده ایران
- سلطانی، محمد طاهر (۱۳۸۴) *خاطرات سلطانی (از قصر شیرین تا قصر قجر)* به اهتمام محمدعلی سلطانی، تهران: سها
- سماکار، عباس (۱۳۸۵)، *منیکشورشیهستم: خاطرات زندان*، شرکت کتاب لوس آنجلس، چاپ دوم
- سیفی فمی تفرشی، مرتضی (۱۳۶۷) *پلیس خفیه ایران (مروری بر رخدادهای سیاسی و تاریخیچه شهربانی ۱۳۲۰-۱۲۹۹)* تهران: ققنوس
- طبری، احسان (بی تا) *شکنجه های رضا خان قلدر*، بی جا: ا. آهن
- علوی، بزرگ (۱۳۸۵) *گذشت زمانه*، تهران: نگاه
- عمویی، محمد علی (۱۳۷۷) *درد زمانه*، تهران: آنزان
- قهرمانلو، ایرج (۲۰۱۵) *گذر از آتش*، سوئد: مولف
- کمالوند، فریده (۱۳۸۰) *یادهای ماندگار: خاطرات من و همسرم دکتر هوشنگ اعظمی لرستانی*، تهران: اشاره
- کمیته مجازات و خاطرات عماد الکتاب (۱۳۸۴) به اهتمام محمد جواد مرادی نیا، تهران: اساطیر
- کیانوری، نورالدین (۱۳۷۲) *خاطرات نورالدین کیانوری*، چاپ دوم، تهران: اطلاعات
- کی مرام، منوچهر (۱۳۷۴) *رفقای بالا*، تهران: شبابویز
- کی منش، تقی (۲۰۱۹) *خاطرات تقی کی منش ۱۳۵۷-۱۳۰۱*، به اهتمام بهروز مطلب زاده، آلمان - بوخوم: آیدا
- گودرزی بروجردی، محمدرضا و لیلا مقدادی (۱۳۸۳) *تاریخ تحولات زندان*، تهران: میزان
- مختاری، پاشا لواء (۱۳۲۹) *تاریخ هفتاد ساله پلیس ایران*، بی جا: چاپخانه ارتش
- مظاهری، عباس (۱۳۸۵) *شکوفه های درخت انار (یادهای ۴۷۹۱ روز زندان در دیکتاتوری شاهنشاهی ۱۳۵۷-۱۳۴۴)*، آلمان - کلن: گفتگوهای زندان
- ملکی، خلیل (۱۳۸۶) *برخورد عقاید و آراء*، چاپ دوم، تهران: مرکز
- ملکی، خلیل (۱۳۸۱) *نامه های خلیل ملکی*، تهران: مرکز
- مورخ الدوله سپهر (۱۳۳۶) *ایران در جنگ بزرگ ۱۹۱۸-۱۹۱۴* م، تهران: بی نا

اتاق ملاقات زندان و فراگرد کنترل تکنولوژیکی ... (یعقوب خزائی) ۳۱۳

میثمی، لطف‌الله (۱۳۹۸) تولدی دوباره خاطرات لطف‌الله میثمی، ج ۳، تهران: صمدیه.
نجات حسینی، محسن (۱۳۸۲) بر فراز خلیج فارس، خاطرات محسن نجات حسینی،
چاپ سوم، تهران: نی

وکیلی، جعفر (۱۳۵۹) نامه ها از زندان، چاپ دوم، تهران: علم
همگام با آزادی: خاطرات شفاهی دکتر سید محمد مهدی جعفری (۱۳۸۹) ج ۱، مصاحبه و تدوین:
سید قاسم یا حسینی، قم: صحیفه خرد

هومن، احمد (۱۳۳۹) زندان و زندانیها یا رژیم پنی تانسیر، تهران: دانشگاه تهران
یادداشت هایی از زندان اوین (بی تا) بی جا: تکثیر و توزیع از نهضت آزادی ایران
(ب) روزنامه

«اجرای حکم اعدام» در: خاطرات وحید، ۱۳۵۴، شماره ۴۱
اطلاعات، سال سوم، شماره ۷۸۸، ۲۲ خرداد ۱۳۰۸
خواندنیها، سال ۱۴، شماره ۸۵، ۱۳۳۳/۴/۲۶

اسناد

موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سنده شماره ۱- ۳۱ - ۰ - ۱۴۴ م
موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند شماره ۳۳۱ - ۲۶۴ - ۷ - م
موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سنده شماره ۵ - ۲۶ - ۲۵۶ الف
موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سنده شماره، سند شماره ۶ - ۲۶ - ۲۵۶ الف